



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۳۰



نورمحمد غفوری

آیا هر نیرویی که علیه طالبان میجنگد، شایسته حمایت است؟

آیا صرف مخالفت با طالبان، هر جریان سیاسی یا نظامی را به نیرویی مشروع و قابل حمایت تبدیل میکند؟ آیا هر جبهه که در هر نقطه‌ای علیه طالبان سلاح بردارد، سزاوار تحسین و پشتیبانی است؟

پاسخ روشن است: نه خیر.

مخالفت با طالبان، بهتنهایی، نه مشروعیت میآفریند و نه شایستگی. در اندیشه سیاسی و فلسفه حکمرانی، مشروعیت یک جریان تنها از دشمن مشترکش با ما ناشی نمیشود، بلکه از اهداف، ارزشها، شیوه عمل، پیشینه و برنامه‌های که برای آینده کشور ارائه میکند، سرچشمه میگیرد.

اگر تنها به این دلیل از گروهی حمایت کنیم که با طالبان میجنگد، همان اشتباهی را تکرار کرده‌ایم که افغانستان بارها بهای سنگین آن را پرداخته است؛ یعنی جایگزین کردن یک بحران با بحرانی دیگر. تاریخ معاصر افغانستان گواه آن است که برخی نیروها، هرچند در برابر طالبان ایستاده‌اند، خود به فساد، قانونگریزی، نقض حقوق شهروندان، انحصارطلبی، وابستگی به قدرتهای خارجی و غارت داراییهای عمومی آلوده بوده‌اند. چنین نیروهایی، صرفاً به دلیل مخالفت با طالبان، نمیتوانند نویدبخش آیندهای بهتر برای افغانستان باشند.

همچنین تجربه نشان داده است که هیچ جنگی که بر پایه حمایت و مداخله قدرتهای خارجی شکل بگیرد، استقلال، آزادی و ثبات پایدار را به ارمغان نمیآورد. ملتی که سرنوشت خود را به اراده دیگران گره بزند، هرگز صاحب حاکمیتی مستقل و مردمی نخواهد شد.

حمایت از هر جریان سیاسی باید بر پایه معیارهای روشن و اصولی باشد؛ از جمله: پایبندی به منافع ملی، حاکمیت قانون، عدالت، حفظ کرامت و حقوق انسان، شایستهسالاری، پاسخگویی، مبارزه با فساد، پذیرش تکرر قومی و سیاسی، استقلال از قدرتهای خارجی و داشتن برنامه‌های عملی برای ساختن یک دولت ملی، کارآمد و پاسخگو.

در سیاست، نباید انتخاب میان «بد» و «بدتر» جایگزین انتخاب میان «درست» و «نادرست» شود. جامعهای که تنها بر محور دشمن مشترک متحد شود، شاید در کوتاهمدت به یک پیروزی نظامی دست یابد، اما در بلندمدت بار دیگر در چرخه خشونت، استبداد، فساد و بیثباتی گرفتار خواهد شد.

بنابراین، مخالفت با طالبان شرط لازم برای حمایت از یک جریان سیاسی است، اما هرگز شرط کافی نیست. شرط کافی آن است که آن جریان، افزون بر مبارزه با طالبان، به اصول حکمرانی خوب، عدالت، آزادی، قانونمداری، شایستهسالاری، منافع ملی و حقوق شهروندان پایبند باشد؛ دستش به خون مردم آلوده نباشد، در غارت بیتالمال و فساد ساختاری سهمی نداشته باشد و گذشته‌اش مملو از جنایت و خیانت نباشد.

آینده افغانستان با تعویض چهره‌های قدرت ساخته نخواهد شد؛ بلکه با دگرگونی فرهنگ سیاسی، استقرار حاکمیت قانون، پاسخگویی، عدالت و شکلگیری یک دولت ملی که منافع مردم را بر منافع اشخاص، گروهها و قدرتهای خارجی ترجیح دهد، رقم خواهد خورد. تنها چنین مسیری میتواند افغانستان را از چرخه تکراری جنگ، استبداد و فروپاشی نجات دهد.

27.07.2026